

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
واحد فنی:
مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
گرافیک و صفحه‌آرایی: سعید غفوری
ویرایش عکس: کامبیز نویدی
صفحه‌خوانی و حرفه‌چینی: همکاران واحد فنی تحریریه

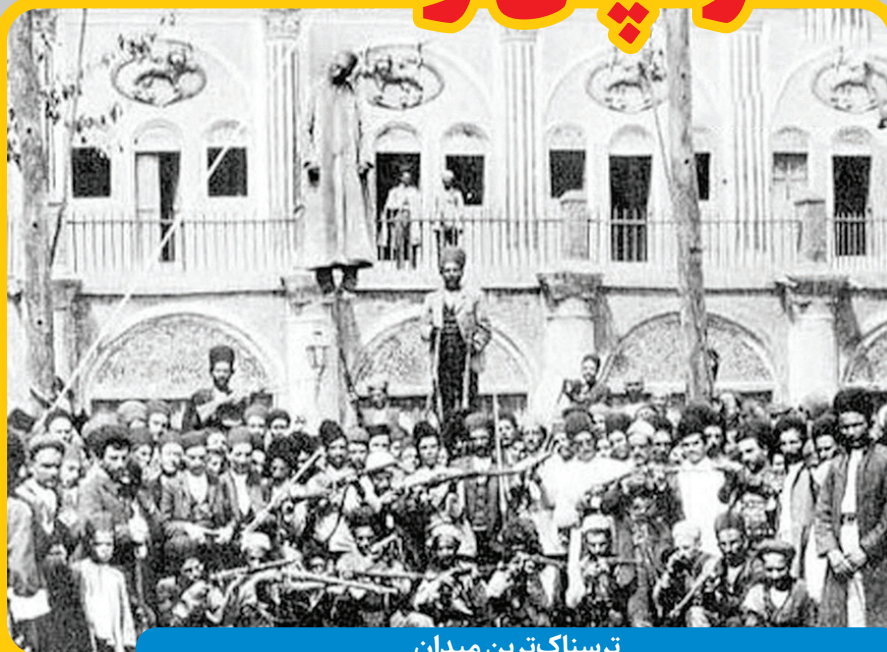
سردبیر: دانیال معمار
دبیر ویژه‌نامه: پروانه بهرام نژاد
سندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۰۰۰۰۰
نمابر: ۲۳۰۰۰۰۰۰
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروز نوین

هلمشهری

گروه ضمائم همشهری ناشر نشریات:
دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها، ماه،
سرزمین من، معماری، ۲۴، شهرنگار، سرخ و محله
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۴، نرسیده به پارکوی،
کوچه شهید قربانی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

گذرازیخی معابد طهران قدیم خوفناک بود

ردپای وحشت



ترسناک‌ترین میدان

محمدصادق خسروی‌علیا

طهران قدیم، محله‌ها و مکان‌هایی داشت که روزگاری قدم گذاشتن در آنجا موبر تن آدمی سیخ می‌کرد؛ از زندان‌های مخوف گرفته تا میدانی که در آن گردن می‌زدند! محله‌هایی در طهران آن سال‌ها وجود داشت که در قرق‌گله‌های بزرگ سگ‌ها بود و اهالی آن از ترس سگ‌ها جرأت نداشتند از خانه‌شان بیرون آیند. یک گذر هم در تهران قدیم خیلی معروف بود؛ گذری که هر کس در آن پا می‌گذاشت داروندارش را غارت می‌کردند. اگر می‌خواهید بدانید این گذرها و معابد خوفناک کجا هستند و اکنون چه وضعیتی دارند، روایت‌های عجیب و غریب نقل شده درباره آنها را بخوانید.



نشانی:
میدان محمدیه

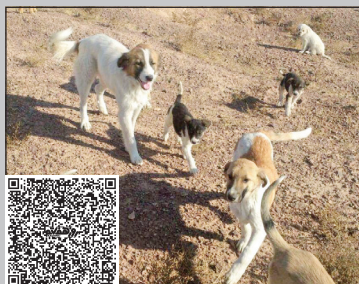
میدان اعدام
عقوبت مجرمان و محکومان

بودند به نام «قایق». قایق تخته‌بند یا ابزاری بود که مجرم را به آن می‌بستند تا هنگام اجرای حکم تکان نخورد. مراسم اعدام از همان ابتدا تماشایی داشت. مردم از دور و نزدیک برای دیدن صحنه گردن‌زنی یا دارزدن مجرمان به حوالی میدان می‌رفتند.

را که در همان حوالی بود، خراب کردند و در محل تقاطع خیابان مولوی و خیابان دروازه‌غار، میدان وسیعی درست شد که بساط اعدام را در آن برپا می‌کردند. آن زمان در این میدان مجرمان و محکومان را سر می‌بردند. در وسط میدان تپه‌ای خاکی قرار داشت که روی آن ستون آجری کوتاهی ساخته

معرفی: این روزها به نام محمدیه می‌شناسیمش، اما بسیاری از مردم هنوز نام قدیمی این مکان را به یاد دارند و هنگام نشانی دادن این اسم را به کار می‌برند: «میدان اعدام». جایی که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه بنا شد؛ هنگامی که تهران به دلیل افزایش جمعیت نیاز به توسعه داشت و حصار صفوی

هراس‌انگیزترین محله



نشانی: بزرگراه آیت‌الله سعیدی، بوستان لواسانی

هزارسگ

معرفی: سال ۱۳۶۴ به‌عنوان یکی از بوستان‌های منطقه ۱۸ با امکاناتی مثل فرهنگسرا، کتابخانه، مسجد، مدرسه و... تجهیز شد و به بهره‌برداری رسید. اما این محله دهه ۴۰ و ۵۰ بیابان مخوفی بود؛ به طوری که کسی جرأت نداشت از نزدیکی آن عبور کند. دهه ۴۰ اینجا به شکل تپه خاکی و زمین‌های ناهموار و زمان محل زاده و ولد و زندگی سگ‌های ولگرد شده بود. پس از چند سال تعداد سگ‌ها در این محله آنقدر زیاد شد که دیگر قابل کنترل نبودند. وقتی سگ‌ها دسته‌ای و گروهی در محله راه می‌افتادند، همه فرار می‌کردند تا مبادا به آنها حمله کنند؛ به همین خاطر به محله هزارسگ معروف شده بود. شب‌ها ترسناک‌تر از دیگر اوقات بود؛ چون کسی در خیابان‌ها دیده نمی‌شد. روشنائی وجود نداشت و شنیدن زوزه سگ‌ها ره‌رگدزی را به هراس می‌انداخت. آن زمان برخی از والدین وقتی می‌خواستند فرزندانشان را تنبیه کنند، می‌گفتند که در محله هزارسگ راه‌پاشان می‌کنند و حتی داستان‌های خیالی‌شان را برای آنها نقل می‌کردند.

دهشتناک‌ترین مکان



نشانی: تقاطع بزرگراه‌های جلال آل‌احمد و کردستان

زندان قزل قلعه، شکنجه‌گاه قجری و پهلوی

معرفی: این مکان تاریخی در دوران قاجار مورد استفاده مسافرها و کاروان‌هایی قرار می‌گرفت که قصد داشتند به تهران عزیمت کنند. زندان قزل قلعه یا قزل قلاع (قلعه سرخ) در زمان ناصرالدین شاه و بعد از دوره پهلوی اول هم محلی برای نگهداری مهمات بود. شکل قزل قلعه در دوره پهلوی دوم، حدود سال ۱۳۵۰ به کلی تغییر کرد و تبدیل به یک زندان مخوف شد. در دوره محمدرضا پهلوی علاوه بر زندان قصر از این مکان هم برای نگهداری زندانیان سیاسی استفاده می‌شد و چهره‌های مهمی دوره محکومیت خود را در این زندان گذراندند. حمام این قلعه اتاق شکنجه و به حمام نیز معروف بود و تا پایان عمر این زندان بوی خون می‌داد. این زندان تا اواخر دوره پهلوی پابرجا بود. اوایل دهه ۶۰ این زندان تخریب و به بوستان تبدیل شد. بازار میوه و تره‌بار، قسمتی از بزرگراه کردستان و بوستان محله جزء محدوده آن زندان، حالا قسمتی از محدوده شهری شده است.

وهم‌آورترین معبر



نشانی: خیابان سعدی

کوچه لختی‌ها، کمین‌باغ‌گیرها و زورگیرها

معرفی: با تاریخ شدن هوا کسی از ترس خفت‌گیری و به یغما رفتن اموالش جرأت تردد در اینجا را نداشت. این حکایت خیابان سعدی، یکی از معابر پایتخت است که تا دهه ۵۰ به‌خاطر دزدی از شهروندان و به اصطلاح لخت کردن مردم به کوچه لختی‌ها معروف شده بود. باجگیرها و زورگیرها حوالی زیر پل اکباتان کمین و در اصطلاح عامه، مردم را لخت می‌کردند و داروندار جیبشان را می‌بردند. نقل است در سراسر این خیابان حتی یک دکان هم وجود نداشت. این راسته در اواخر سلطنت قاجاریه و اوایل پهلوی، خیابانی خلوت و عاری از سکنه بود و رفت‌وآمد در آن محل کم صورت می‌گرفت تا آنجا که در روز روشن هم در آنجا جیب‌برها آدم را لخت می‌کردند؛ از این رو کسی پا داخل آن خیابان نمی‌گذاشت. تا اوایل دهه ۵۰ زورگیری اوپاش از مردم همچنان در حوالی پل اکباتان و گوشه و کنارهای خیابان سعدی ادامه داشت.

قلعه بوینی یوغون

معروف به قلعه آدم خوار

- موقعیت: استان اردبیل، ۳۵ کیلومتری شهر، ۱۱ کیلومتر مانده به شهرستان نیر، دهکده کورعباسلو
- قدمت: ۳ هزار سال
- مساحت: ۳۰۰ هکتار.



معرفی: محلی‌ها از دیرباز این قلعه اسرارآمیز را «بوینی یوغون» می‌نامیدند. در زبان آذری (بوینی یوغون) به‌معنای گردن کلفت است و گویی این قلعه گردن کلفت آدم‌هایی را که واردش می‌شدند، می‌بلعید!

راز ناپدیدشدگان

بعضی از بومی‌های منطقه بر این باور بودند که قرن‌ها پیش مردمانی که به روستای کورعباسلو استان اردبیل سفر می‌کردند، پس از بازدید از این قلعه باستانی به‌صورت مخوف و مرموزی ناپدید می‌شدند! مشخص نیست که چه بر سر آنها می‌آمد. غیب شدن افراد باعث شد که این فرضیه در میان اهالی قوت بگیرد که لابد این قلعه بازدیدکنندگان خود را می‌بلعد. با ادامه این حرف‌ها، کم‌کم این قلعه در میان روستا به قلعه آدم‌خوار معروف شد و تاکنون داستان‌های ترسناکی درباره آن نقل شده است.

معماری خاص اما متروکه!

قلعه بوینی یوغون معماری سنگی زیبایی دارد. شاید دلیل این همه ترس و وحشت، متروک ماندن آن برای مدتی طولانی است. قلعه بوینی یوغون یکی از قلعه‌های مهم قبل از تاریخ اسلام در ایران است. معماری سنگی زیبای آن در دنیا خاص بوده و همین معماری باعث شده قلعه بوینی یوغون به سایت موزه باستان‌شناسی در کشور تبدیل شود. افسانه قلعه آدم‌خوار با پیشرفت علم و دانش آب شد. کم‌کم داستان‌ها و افسانه‌ها محو شدند و مردم دلیل اصلی آن را کشف کردند. معماری این قلعه را پژوهشگران این‌گونه حل کردند که به‌دلیل صعب‌العبور بودن مسیر، گاه گردشگران از مسیرهای دیگر تپه‌بازی می‌گشتند و مردم فکر می‌کردند که آنها ناپدید شده‌اند. کارشناسان می‌گویند وسعت بالغ بر ۳۰۰ هکتاری این قلعه و چند لایه‌ای بودن آن نشان‌دهنده استمرار سکونت انسان از دوره اشکانی تا دوره صفوی است. سنگ‌های دور این قلعه به ضخامت ۵ تا ۳ متر است و دیوارهای آن با ارتفاع حدود ۳۰۰ متر. برای بازدید از این قلعه پله‌هایی وجود دارد که صعود به آنجا آسان کرده، اما گذر از برخی مسیرهای منتهی به قلعه کار صخره‌نوردان است.

